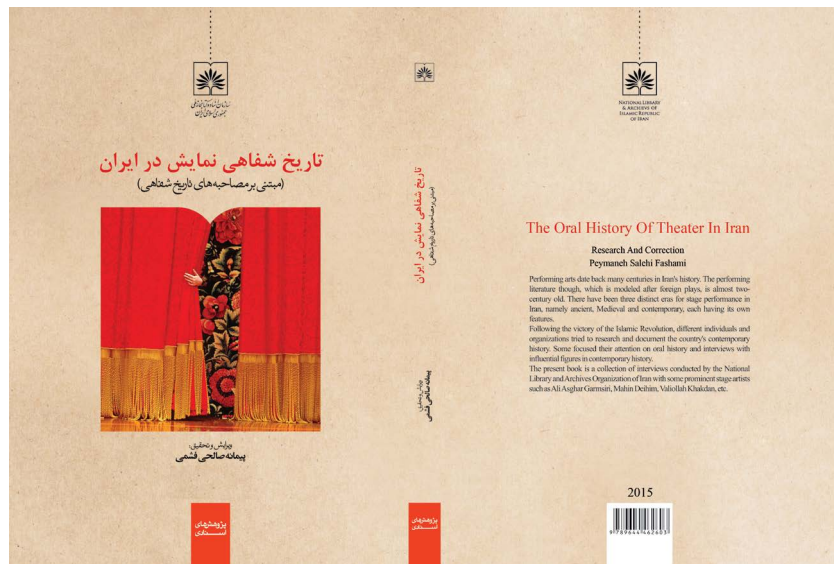


معرفی کتاب تاریخ شفاهی نمایش در ایران

محمد محمدی نیا^۱

صالحی قشمی، پیمان، تاریخ شفاهی نمایش در ایران (مبتنی بر مصاحبه‌های تاریخ شفاهی)، تهران: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۱۳۹۴، ۱۷۳ص.



۱. کارشناس اسناد و مدارک
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
mohammadinia@chmail.ir

تاریخ شفاهی، یکی از رویکردهای نوین و روشی برای تحقیق و گردآوری اسناد، در تدوین تاریخ به‌شمار می‌آید. تاریخ شفاهی، پرده از رویدادها برداشته و حوادث را برای مخاطب وضوح و روشنی بیشتری می‌بخشد.

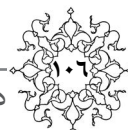


در مورد اهمیت تاریخ شفاهی ضرب‌المثلی آفریقایی می‌گوید «هر سالمندی که از دنیا می‌رود انگار کتابخانه‌ای آتش می‌گیرد». هر چه قدر تعداد سال‌های زندگی راوی طولانی‌تر باشد گویی عمق و عظمت آن کتابخانه هم بیشتر است. بر همین اساس، تعریفی که از تاریخ شفاهی ارائه شده، بازسازی تاریخ است که از طریق مصاحبه با شاهدان عینی یک واقعه صورت می‌گیرد. در کنار مؤسسه‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی، گروه اطلاع‌رسانی منابع دیداری و شنیداری (تاریخ شفاهی) سازمان اسناد و کتابخانه ملی، یکی از گروه‌های فعال در حوزه تاریخ شفاهی ایران می‌باشد. تلاش‌های چندین ساله‌ای که منجر به مصاحبه با بیش از ۶۰۰ شخصیت در حوزه‌ها و موضوعات مختلف گردیده‌است.

کتاب «تاریخ شفاهی نمایش در ایران»، مبتنی بر مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، در بهار ۱۳۹۴ به زیور طبع آراسته شد. مصاحبه‌های ارائه‌شده در این کتاب را هما قاضی انجام داده و آماده‌سازی، ویرایش، تهیه مقدمه و زیرنویس کتاب را پیمان‌صالحی برعهده داشته‌است. انتشار این کتاب، فارغ از موضوعی که به آن پرداخته شده، از منظر اطلاع‌رسانی در حوزه فعالیت‌های تاریخ شفاهی، اقدامی مهم محسوب می‌شود. چرا که همه مخاطبان فعالیت‌های حوزه تاریخ شفاهی، دسترسی لازم به منابع اصیل تاریخ شفاهی را نداشته و چه بسا از مصاحبه‌های انجام شده نیز بی‌خبر باشند؛ در نتیجه، چاپ این اثر می‌تواند ضمن ارائه توانایی‌ها و قابلیت‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی در حوزه تاریخ شفاهی، نیاز بخش عظیمی از مخاطبان و علاقه‌مندان و پژوهشگران این حوزه را برآورده سازد. لازم به ذکر است که در این کتاب، منتخب مباحث مربوط به نمایش ایران ارائه شده و گفتگوهای مربوط به حوزه سینما، که خود یک کتاب مستقل را می‌طلبد، از این مجموعه حذف شده‌است.

مشخصات اثر:

کتاب در ۱۷۳ صفحه و هفت فصل تنظیم شده و هر یک از فصل‌های آن به مصاحبه با یکی از پیشکسوتان عرصه تئاتر ایران اختصاص یافته‌است. محقق در این اثر کوشیده تا با ارائه این مصاحبه‌ها، جلوه‌ای از فراز و فرود تاریخ نمایش در ایران را برای خواننده به تصویر کشد. فصل اول این کتاب به مصاحبه با علی اصغر گرمسیری (۱۲۹۰-۱۳۸۲ش.)، معلم، نمایشنامه‌نویس، بازیگر تئاتر و کارگردان، اختصاص یافته‌است. وی در سنین نوجوانی وارد «جمعیت کمدی ایران» گردید و در آنجا بازیگری را آغاز کرد. وی در مجموع ۱۷ نمایشنامه نوشت و ۴۵ نمایشنامه را کارگردانی کرد. او همچنین به مدت ۱۷ سال استاد هنرستان هنرپیشگی بود. گرمسیری در بخشی از مصاحبه‌اش اشاره دارد که آقای نصر رل «حسنعلی شش میرزا» را در نمایش «تا این جوریم، همین جور» به ایشان داد و برای یادآوری این نکته



که باید بین بیان و حرکات دست، تطبیق وجود داشته باشد، زنجیر طلای ساعتش را به مچ دست او بست و...، در پایان اجرا آن زنجیر را به او هدیه داد: «... این زنجیر نازک طلا، طوق بزرگی شد که یک سرش به گردن من و سر دیگرش را به صحنه تئاتر وصل کرد، به طوری که بنده چهل سال مدام در صحنه تئاتر ایران میخکوب شدم...». در این مصاحبه به مشکلات موجود در مسیر پیشرفت و تحول تئاتر ایران، تشکیل هنرستان هنرپیشگی، امکانات موجود در صحنه اجرای نمایش‌ها، ... و سوابق و فعالیت‌های گرمسیری اشاراتی می‌شود.

مصاحبه با غلامحسین نقشینه (۱۳۷۵-۱۳۸۷)، بازیگر تئاتر و سینما و تلویزیون، فصل دوم کتاب، را به خود اختصاص داده است. نقشینه که پس از گرفتن مدرک ششم ابتدایی وارد دنیای تئاتر شده بود بعدها با سینما نیز به همکاری پرداخت.

فصل سوم کتاب به مصاحبه با مرتضی احمدی (۱۳۰۳-۱۳۹۳)، اختصاص دارد. احمدی به علت صدای خوب و علاقه شخصی با پیش‌پرده‌خوانی، کارش را در تئاتر شروع کرد. در این فصل توضیحاتی درباره هنرهای نظیر کوچه‌باغی، پرده‌داری، ضربی‌خوانی، و معرکه‌گیری و وضعیت گرم در تئاتر ایران ارائه شده است.

در فصل چهارم، مصاحبه با حمید قنبری (۱۳۰۳-۱۳۸۶)، بازیگر تئاتر و سینما و هنرمند رادیو، ارائه شده است. وی که پس از تحصیلات ابتدایی به هنرستان صنعتی رفته بود، بعد از مدتی به دلیل علاقه به بازیگری وارد هنرستان هنرپیشگی شد. وی با تجربیاتی در زمینه کارگردانی برخی نمایش‌ها، در سال ۱۳۳۳ به استخدام رادیو درآمد و سپس به سینما راه یافت. مصاحبه با مهین دیهیم (۱۳۰۷-۱۳۸۰)، بازیگر تئاتر و سینما و هنرمند رادیو، در فصل پنجم این اثر ارائه شد. نام اصلی دیهیم «مهین رجایی» است. وی در سال ۱۳۲۴، اولین تجربه بازی در تئاتر را با پیس «تاجر ونیزی» آغاز کرد.

مصاحبه با ساموئل خاچیکیان (۱۳۰۳-۱۳۸۱)، بازیگر و کارگردان تئاتر و بازیگر و کارگردان فیلم‌های سینمایی، ششمین فصل این کتاب را به خود اختصاص داده است. وی از کودکی به ادبیات و موسیقی علاقه داشت. در سال ۱۳۲۰ به تهران آمد و تئاتر ارامنه را تشکیل داد و دو سال بعد وارد سینما شد. کارگردانی «چهار راه حوادث»، «خون و شرف»، «عقاب‌ها» و... فیلم‌های سینمایی متعدد دیگری در ژانرهای کمدی، اجتماعی و خانوادگی، از جمله فعالیت‌های وی در عرصه سینما می‌باشد.

در آخرین فصل کتاب، مصاحبه با ولی الله خاکدان (۱۳۰۲-۱۳۷۵)، دکوراتور تئاتر و سینما، ارائه شد. وی در سال ۱۳۰۲ در باکو متولد شد. از هفت سالگی به نقاشی روی آورد و از سیزده سالگی به ساخت ماکت‌های صحنه تئاتر پرداخت. کار دکور در ایران را با ساخت دکور پیس «سویل» در تبریز آغاز کرد. ورود به تهران و پیوستن به جامعه باربد در سال ۱۳۲۵، ورود



به عرصه سینما، تفاوت دکور سینما و تئاتر، نحوه ساخت شهرک سینمایی، مشکلات اجرای تئاتر، آغاز دکور تئاتر به صورت حرفه‌ای، وضعیت تئاتر بعد از ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، از جمله موضوعاتی است که در این مصاحبه به آن پرداخته شده است. خاکدان در سال ۱۳۷۵ دار فانی را وداع کرد.

در پایان کتاب، پس از نمایه الفبایی، تصاویری از علی اصغر گرمسیری ارائه شده است.

نتیجه‌گیری:

به تصویر کشیدن فضای تئاتر از دهه بیست تا چهل شمسی، اشاره به نحوه صحنه‌پردازی و گریم در سال‌های گذشته، اشاره به محدودیت‌های جامعه تئاتر ایران و معرفی شخصیت‌های مؤثر در تاریخ نمایش ایران از جمله مواردی است که جزو نکات قوت و جذابیت این کتاب محسوب می‌شود. این کتاب در حالی منتشر شد که متأسفانه هیچ‌یک از مصاحبه‌شوندگان آن در قید حیات نیستند.

علاوه بر این، می‌توان به موارد زیر، به عنوان ویژگی‌های مثبت این اثر نیز اشاره کرد:

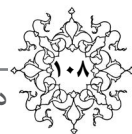
۱. توجه به چاپ مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، گام مهمی است که باید آن را به فال نیک گرفت.

۲. انتخاب مصاحبه‌شوندگان و پیشگام و مؤثر بودن آنان در تاریخ نمایش ایران.

۳. یکی دیگر از امتیازات این کتاب، تلاشی است که محقق برای ارائه اطلاعات تکمیلی در زیرنویس‌ها داشته است.

۴. ارائه نمایه الفبایی اسامی اشخاص، فیلم‌ها، نمایشنامه‌ها، سالن‌های تئاتر و... در پایان کتاب نیز از محسنات اثر محسوب می‌شود.

در مجموع این اثر تجربه موفقی از انتشار مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در قالب کتاب است که جای خالی آن در سازمان اسناد و کتابخانه ملی به خوبی حس می‌شود. به نظر می‌رسد علاقه‌مندان به مباحث نمایش و سابقه تاریخی آن در ایران، با شناختی که از مصاحبه‌شوندگان دارند رغبت مضاعفی به خواندن این کتاب خواهند داشت. ضمن آن که اهالی حوزه تاریخ و مصاحبه‌های تاریخ شفاهی می‌توانند با نقد این اثر بر غنابخشی آن در چاپ‌های بعد و نیز افزایش کیفیت آثار جدیدتر در این حوزه کمک شایانی نمایند. تیراژ ۳۰۰ نسخه‌ای این کتاب، موجب تعجب خواننده را فراهم می‌سازد و این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا محدودیت در تیراژ منابع تخصصی، مانعی برای نشر علم در سطوح مختلف جامعه نیست؟ چرا که ترویج علم به معنای کاستن فاصله زمانی، مکانی، زبانی و شناختی میان دنیای پژوهش و عموم مردم است. البته با توجه به برخی مباحث و رویکردهای حاکم بر حوزه انتشارات سازمان



اسناد و کتابخانه ملی، مبنی بر اولویت انتشار رقمی منابع تولیدی، به نظر می‌رسد این تیراژ (۳۰۰ نسخه)، در راستای همین رویکرد باشد.

با توجه به زحماتی که محقق در تهیه زیرنویس‌های اثر کشیده، جای خالی فهرست منابع در پایان کتاب کاملاً محسوس است و انتخاب محدود و کیفیت پایین عکس‌های ارائه شده در پایان کتاب را نیز می‌توان از اشکالات این اثر به حساب آورد.

نگارنده این سطور ضمن ستایش تلاش محقق برای ارائه یک مستند تاریخ شفاهی، مطالعه کتاب را به دانشجویان رشته تاریخ، علاقه‌مندان به نمایش ایران، و پژوهشگران حوزه تاریخ شفاهی توصیه می‌کند.

و اما سخن آخر: هر دم که مسیری برای پیشرفت یک سازمان هموار می‌شود، باری از روی دوش اولیای آن برداشته شده و موجب اعتلای اهداف آن سازمان می‌گردد. امید که این گام ارزشمند در انتشار این کتاب، نوید بخش گام‌هایی بزرگ‌تر و ارزشمندتر در آینده گردد.

منابع:

۱. اداره کل اطلاع‌رسانی و ارتباطات معاونت اسناد ملی، مجموعه مقالات تاریخ شفاهی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷.
۲. باربارا دیپلو، سامر و کی کوینلن، مری، ترجمه رضا مهاجر، راهنمای تاریخ شفاهی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲.
۳. عزیزی، غلامرضا، تاریخ شفاهی دفاع مقدس (مجموعه مقاله‌های همایش ملی تاریخ شفاهی با محوریت دفاع مقدس)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
۴. وبگاه حوزه <http://www.hawzah.net>

